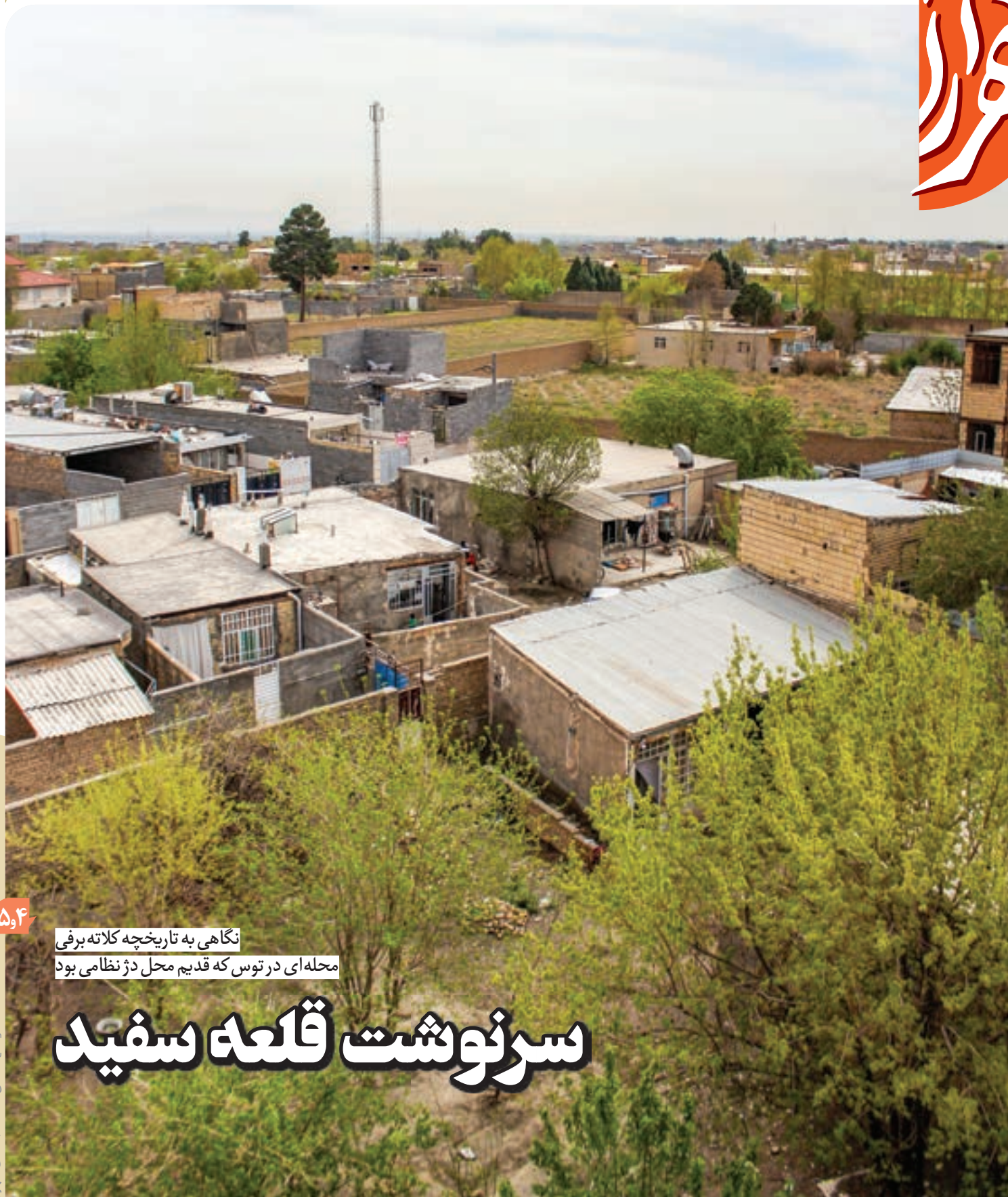




۵۰۴

نگاهی به تاریخچه کلاته برفی
مجله ای در توس که قدیم محل دژ نظامی بود

سرنوشت قلعه سفید

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

مختار توکلی پور از اولین ساکنان محله شهید رضوی
رشد محله را به چشم دیده است

دورهمی همسایه ها
زیر درخت توت

۶



۳

گلایه بچه های توس از مسئولان
بزرگ شدیم
اما زمین بازی ساخته نشد

۷

بازارچه جلوخان آرامگاه
این بار فقط به صنایع دستی توس اختصاص داشت
سوگاتی دیار فردوسی

همسایه به همسایه، دیدار بیست و پنجم، آموزگار شهید رجائی ۱۰

طعم خوش آش های بی بی

فاطمه سیرجانی عمر آشنایی شان بیش از چهار دهه است و خاطرات مشترک بسیاری دارند. از وقتی محله شان بیابانی خشک و خالی بود و بی آب و برق، کنار هم بودند تا به امروز. همسایه های خوب کوچه آموزگار ۱۰ کم نیستند. اماراضی کردنشان برای گفت و گو سخت است. در این دیدار توانستیم علاوه بر هادی آقا، کاسب امین و معتمد محله که به عنوان نخستین همسایه خوب به ما معرفی شده بود، بادوبانوی خوش نام کوچه هم کلام نشویم تا از رموز و راز همسایه داری برایمان بگویند.

● راز سر به مهر هادی آقا

هادی آقای گذر، کاسب قدیمی محله، نخستین کسی است که به ما معرفی می شود. کاسب خوش اخلاق، منصف و امین محله که برای همه حساب دفتری دارد. همسایه ها وقتی از او تعریف می کنند، از همراهی اش با اهالی کوچه قدر دانی می کنند. کاسبی که اجازه نداده است مشتری ای دست خالی از مغازه اش خارج شود.

آقا هادی که بیش از چهار دهه قبل از روستای اخلمد به این محله آمده است، تعریف می کند: از همان اولی که این مغازه خواربار فروشی را راه انداختم، به مشتری ها گفتم حساب دفتری دارم تا اگر حتی یک نفر از همسایه ها دستش خالی بود، بدون خجالت بیاید ما محتاج خانه اش را ببرد. او در حساب و کتاب دفتری امین مردم است و می گوید: این دفتر یک راز سر به مهر است و به جز خودم کسی نباید بداند چه کسی نسیه برده است، مبادا جلو زن و فرزند یا همسایه خجالت زده شود.

● خوبی برای خدایا مرزی فردا

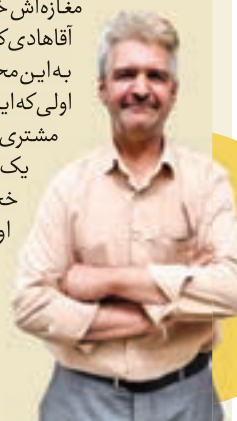
مریم راسی همسایه مهربان دیوار به دیوار هادی آقاست. خانمی هفتاد و هشت ساله که به حسن خلق و مهربانی و کار راه اندازی بین همسایه ها شهره است. مریم خانم با آنکه کمتر از یک دهه است به این محله آمده است، با خوش خلقی و صبوری مهرش در دل همسایه ها افتاده و دوستش دارند. او قبلا در محله ابوطالب زندگی می کرده است، هادی آقا در باره این همسایه می گوید: خوش اخلاقی، رزق و روزی آدمی رازی می کند؛ این چیزی است که همیشه بزرگ ترهای ما می گفتند. رزق و روزی فقط سفره رنگین نیست، دوست و همسایه خوب هم که خدا نصیب می کند نوعی رزق است که ما در حاج خانم این ویژگی ها را می بینیم. ساکنان مجتمع شش واحدی مریم خانم آن قدر با او راحت هستند و خاطرش را می خواهند که گاه برای نکات ریز آشپزی و خانه داری از او مشاوره می گیرند. مریم خانم معتقد است آدمیزاد باید طوری با مردم نشست و برخاست کند و خوب باشد که وقتی رفت، از خوبی هایش یاد شود و خدایا مرزی پشت سرش باشد.

● سفره داری و

میهمان نوازی بی بی

بی بی جان را مریم خانم معرفی می کند. یکی از قدیمی ترین همسایه های کوچه آموزگار شهید رجائی ۱۰ که از اوایل دهه ۶۰ در این کوچه ساکن شده است. دست به خیری و مهربانی بی بی زیانزد بزرگ و کوچک محله است. تا چند سال قبل روز عید غدیر، در خانه از سپیده صبح تا شب به روی همسایه ها و میهمانان باز بود و همسایه ها برای تبریک روز عید و گرفتن عیدی تبرک به خانه اش می رفتند. تقریباً همه همسایه های بی بی فاطمه ساقی، طعم آش رشته های خوش عطر او را چشیده اند. بی بی به یاد ندارد قابلمه آش بار گذاشته باشد و با کاسه ای همسایه را میهمان سفره اش نکرده باشد. می گوید: همیشه روزی که قابلمه آش را بار می گذاشتم همسرم به شوخی می گفت می خواهی پارک ملت را آش بدهی؟! بی بی جان در باب آداب همسایه داری می گوید:

گاه همسایه از پدر و مادر و برادر و خواهر بیشتر به دردت می خورد. اگر گرفتاری پیش بیاید این همسایه ات است که می تواند به دادت برسد.



نوبهار در بهار

جشنواره گل نوبهار که در بوستان برکت محله شهید رضوی برپا شده است، فضای زیبایی را برای میزبانی از شهروندان فراهم کرده است. این مسیر با ۱۲۶۰ المان گل و تخم مرغ های رنگی از ابتدای سال بازگشایی شد و با توجه به استقبال شهروندان تا ۲۶ فروردین تمدید شده است. مسیر نوبهار در بیش از ۲ هزار متر مربع فضای اجرا شده است.

راه آب باران باز شد

هم زمان با شروع سال نو و احتمال بارش های بهاری، تنظیف جداول روباز سطح منطقه انجام گرفت. راه سازی زباله در مسیر ها سبب تجمع آن ها در این مسیر ها شده بود که خطر آب افتادگی معابر منطقه را افزایش می داد. باتوجه به پیش بینی باران های رگباری و به همت نیروهای خدمات شهری، تخلیه جداول از هر گونه زباله انجام شد.

تنظیم هیجانانگیز کودکان با بازی

دوره های آموزشی بازی درمانی به میزبانی بوستان مادر و کودک برپا شده است. حضور در این دوره ها که ویژه کودکان ۴ تا ۷ سال است کمک می کند در جریان بازی برخی اختلالات ذهنی کودکان برطرف شود. بازی های این دوره به گونه ای برنامه ریزی شده است که بچه ها هیجانانگیز و احساسات خود را تنظیم کنند.



معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۱۱ از افتتاح جای خانه در بوستان ملت خبر داد

رفاه خانواده ها و ورزشکاران در پارک

بهشتی هم زمان با آغاز سال جدید، جای خانه امام حسین (ع) به همت شهرداری منطقه ۱۱ در بوستان ملت به بهره برداری رسید. معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۱۱ با اعلام این خبر به شهرآر محله گفت: این فضا بستری را برای ایجاد تعاملات اجتماعی ایجاد خواهد کرد.

مرتضی دبیران با اشاره به ظرفیت های بوستان ملت گفت: این مجموعه پاتوق اقشار مختلف مردم است که به تدارک برنامه های جامع با رویکردهای مختلف برای شهروندان کمک می کند.

به گفته او فراهم کردن رفاه بیشتر برای خانواده ها و به خصوص گروه های ورزشی از اهداف این برنامه است.

او درباره خدمات دهی این فضا گفت: جای خانه بوستان ملت در مناسبت های ملی و مذهبی و پنجشنبه و جمعه هر هفته میزبان شهروندان است. نحوه خدمات هم به این شکل است که گروه های مردمی با مراجعه به معاونت فرهنگی و اجتماعی منطقه این فضا را در اختیار می گیرند تا خدمت فرهنگی و همچنین پذیرایی ای را که مدنظرشان است، به مردم ارائه دهند.



گلایه بچه‌های توس از مسئولان

بزرگ شدیم اما زمین بازی ساخته نشد

شهرداری منطقه ۱۲ قول تکمیل زمین ورزشی
شهیدای بولوار شاهنامه را تا خرداد داد

سید مصطفی بهشتی ابا هر حرکت بچه‌ها گرد و خاک بلند می‌شود. وقتی چند نفری به سمت توپ می‌روند، تنها چیزی که دیده نمی‌شود، توپ است! این وضعیت زمین ورزشی خاکی شاهنامه ۱۸ است؛ وضعیتی که تقریباً برای همه نقاط بولوار شاهنامه وجود دارد. در این نقطه از شهر نه خبری از فضای ورزشی است و نه پارک و وسایل بازی؛ کمبودی که با گرم شدن هوا و نزدیک شدن اوقات فراغت به چشم بچه‌های ما آید و نگرانی خانواده‌ها را بیشتر کرده است.

هم قدم

۱۲

● بچه‌ها فضای بازی می‌خواهند

مجتبی علوی که از اهالی چهاربرج است، از قول‌های داده شده و عمل نشده کلافه است. این شهروند می‌گوید: دوازده سال پیش که توس به شهر الحاق شد، مدام حرف از آبادی و ساخت و ساز و این حرف‌ها بود، اما پس از این همه سال، یک زمین ورزشی یا یک پارک نساخته‌اند. چه فایده از این شهر شدن؟ پس آن همه قول کجا رفت؟ بچه‌های ما بزرگ می‌شوند، ولی مشکلاتشان برطرف نمی‌شود. او ادامه می‌دهد: ماه‌ها وقت سر هر موضوعی به شهرداری مراجعه می‌کنیم، از طرح تفصیلی و این حرف‌ها می‌گویند. حالا که خبری از طرح تفصیلی نیست، هیچ راه و تبصره و استثنایی هم وجود ندارد؟ آخر بچه‌ای که نیاز به زمین ورزشی و پارک و... دارد که طرح تفصیلی و این حرف‌ها را نمی‌فهمد! فقط دنبال بازی است.

● از توس به مشهد، دنبال زمین تمرین

در حال گفت‌وگو با اهالی به نقطه‌ای در شاهنامه ۲۳ می‌رسیم که سروصدای بچه‌ها به گوش می‌رسد؛ آن‌ها مشغول بازی هستند. رحیم فتح‌آبادی، از اهالی محله کلاته برفی، می‌گوید: بازی در این زمین‌های خاکی که گوسفند و سگ ولگرد و هر حیوانی از آن عبور می‌کند، تفریح و سرگرمی نیست، فقط برای این بچه‌ها درد و مرض دارد!

در ادامه گفت‌وگو با اهالی توس با پسری نوجوان صحبت می‌کنیم که اهل ورزش است و برای تمرین از توس تا مشهد را طی می‌کند. کامران حفاظی می‌گوید: دو سال پیش قرار شد یک مجموعه ورزشی در اینجا

بعضی بچه‌ها مجبورند برای استفاده از سالن یا باشگاه ورزشی از توس به مشهد بروند. همین رفت و آمد با اتوبوس دست‌کم سه ساعت وقت‌مان را می‌گیرد. این زمان خودش می‌تواند صرف ورزش یا یادگیری شود

بسازند. بچه‌های مدرسه و اهالی را آوردند و کلنگ زنی کردند. اما دو سال گذشته است و زمین روباز «شهیدای بولوار شاهنامه» فقط یک آسفالت ساده دارد و کار دیگری نکرده‌اند. بعضی بچه‌ها مثل من مجبورند برای استفاده از سالن یا باشگاه ورزشی از توس به مشهد بروند. همین رفت و آمد با اتوبوس دست‌کم سه ساعت وقت‌مان را می‌گیرد. این زمان خودش می‌تواند صرف ورزش یا یادگیری شود. فکر می‌کنم اصلاً مسئولان این شهر به یاد کودکان توس نیستند.

● زمین ورزشی به تابستان می‌رسد

این مشکل شهروندی را سومین بار در سال‌های اخیر از مدیران شهری پیگیری کردیم. رئیس ناحیه توس شهرداری منطقه ۱۲ گفت:

درباره ایجاد فضاهای ورزشی خبرهای خوبی برای اهالی داریم. محمد سالار ادامه داد: خوشبختانه پیگیری‌ها برای آسفالت فاز دوم زمین ورزشی روباز شهیدای بولوار شاهنامه نتیجه داده است و در مرحله جدید کار هم مشغول دیوارکشی پروژه هستیم. ان شاء... این مجموعه ورزشی با فضاهای مختلف تا عید قربان یا غدیر در خرداد ماه تکمیل خواهد شد تا بچه‌های توس در تابستان یک فضای ورزشی روباز کامل در اختیار داشته باشند.

به گفته سالار، قدم‌های خوبی برای اجرای پروژه پیاده‌راه بولوار شاهنامه برداشته شده است و تا بیست روز آینده پروژه آغاز می‌شود. او می‌گوید: این پروژه نیاز اهالی به فضای سبز را پاسخ می‌دهد، اما متأسفانه فضای بازی در آن تعریف نشده است. امیدواریم با ابلاغ طرح تفصیلی بتوانیم پروژه‌هایی را آغاز کنیم که به این نیاز اهالی هم پاسخ داده شود.

بازگشت هیجان به گود فردوسی

با گرم شدن هوا و مهیا شدن گود فردوسی در توس، پهلوانان کشتی با چوخه در این فضا، با هم رقابت می‌کنند. این رقابت‌ها به همت کمیته کشتی با چوخه استان و با همکاری شهرداری منطقه ۱۲ صبح‌های جمعه برپا می‌شود. برگزاری مسابقات کشتی با چوخه در توس، دوباره هیجان را به گود قدیمی محله فردوسی آورده است.

توس، یکی از مقاصد زائران نوروزی

در تعطیلات ابتدای سال ۱۴۰۴، فضاهای تاریخی توس مانند سال‌های گذشته میزبان مسافران نوروزی بودند. طبق آمار ارائه شده اداره کل میراث فرهنگی استان، از ۲۵ اسفند تا ۱۵ فروردین، بیش از ۱۰۰ هزار نفر از مسافران نوروزی از آرامگاه فردوسی، بقعه هارونیه و بقیه اماکن تاریخی توس بازدید کردند.

ایمنی در مسیرهای منطقه ۱۲

به همت اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲، بیش از صد تابلو و علامت ترافیکی در معابر منطقه نصب شد. نصب علائم ترافیکی با هدف افزایش ایمنی سفر برای عابران پیاده و وسایل نقلیه و در راستای تحقق شعار «شهر ایمن، شهر هموار» انجام گرفته است. علائم ترافیکی مدنظر در بولوارهای مجیدیه، الهیه، امیریه و مهدیه نصب شده است.

شهر خبر

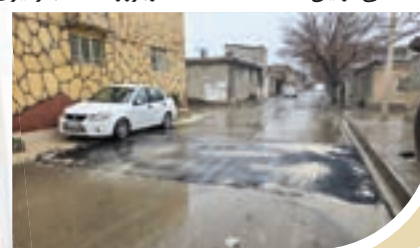
۱۲

پیگیری شهرآرامحله برای نصب سرعت‌کاه
در محله فردوسی نتیجه بخش بود

تردد ایمن در فردوسی ۳

بازخورد

بهشتی پیگیری‌های شهرآرامحله در واپسین روزهای سال ۱۴۰۳ به نتیجه رسید تا تردد در معبر فردوسی ۳ شکل ایمن‌تری به خود بگیرد. باتوجه به درخواست اهالی محله فردوسی برای ایجاد سرعت‌کاه در معبر فردوسی ۳، این موضوع را از شهرداری منطقه ۱۲ پیگیری کردیم تا اقدام مناسب در این باره انجام گیرد. رئیس ناحیه توس شهرداری منطقه ۱۲ کمی پس از انتشار گزارش شهرآرامحله خبر داد: باتوجه به ضرورت اقدام مناسب برای ایمنی عابران پیاده، نامه‌نگاری‌هایی با سازمان ترافیک شهرداری مشهد داشتیم و مجوز احداث سرعت‌کاه در این نقطه دریافت شد. محمد سالار ادامه داد: با اقدام عمرانی صورت گرفته، پیش از سال نو دو سرعت‌کاه آسفالتی در این نقطه احداث شد تا از بروز حادثه جلوگیری شود.



نگاهی به تاریخچه کلاته برفی
محله‌ای در توس
که قدیم محل دژ نظامی بود

سرنوشت قلعه سفید

فاطمه شوستری | در «کلاته برفی» اگر ساختمان‌ها در زمین‌های کشاورزی سبز نشده بود، باید این روزها به تماشای بوته‌های «خیار پنبه» می‌رفتیم که هکتار هکتار زمین از جوانه آن‌ها سبز شده بود. اما این روزها نه خبری است از خیار پنبه‌ها که نامش روی این محله مانده و نه خبری از رونق کشاورزی است. هرچه به چشم می‌آید، خانه و زمین‌های خالی ترک خورده از بی‌آبی است. از سر همین، هوا بیشتر از آنکه بوی سبزه و گل بهاری بدهد، بوی خاک می‌دهد. کافی است چند دقیقه در فضای باز باشی و چشمانت خیره بماند به زمین‌های بایر که نشانه‌ای از روزهای سبز کلاته برفی ندارند. باین همه خاطره‌های مردم قدیمی اینجا، آدمی را به گذشته‌های دور می‌برد تا آنجاکه می‌توانی حس و حال سی‌کشاورز کلاته و سبزدستی آن‌ها را جلودیدگانت بیاوری. روزهایی که جز کشاورزان محلی، فوج فوج کارگر راهی این محله می‌شد تا کمک دست مردم در کشت و داشتشان شود. کارگرهایی که بیشتر از قوم بلوچ بودند و حالا جمعیت زیادی از کلاته برفی را تشکیل می‌دهند. در سطرهای پیش رو نگاهی انداخته ایم به کلاته برفی‌ای که بود و کلاته برفی‌ای که هست.

مسجد ۷۴ ساله

تابلو قدیمی‌ترین مسجد کلاته برفی به نام الزهرا (س) نشان می‌دهد که تاریخ ساختش به سال ۱۳۳۰ برمی‌گردد. بی‌بی معصومه روزهای ساخت آن را خوب به یاد دارد و می‌گوید: ملک مسجد را حاج آقا استکانی، از ملاک‌های اینجا داد. مردم هم شراکت کردند و اتاق کوچکی ساختند. بعدها حاج آقا خالویی بانی شد. از مردم هم پولی جمع کردند و برادر، حاج حسین چهارطاقی، بخشی از بنایی‌اش را برعهده گرفت و مسجد را بزرگ کردند.

۱۲



یک قطعه کوچک اما سرسبز

اولین تصویر حاج حسن ملاسید علی از کلاته برفی مربوط به روزهای کودکی‌اش است که وقتی راه خاکی را از بین زمین‌های کشاورزی زیر پا می‌گذاشتند و تاروستای بالاتر یعنی شمس‌آباد می‌رفتند، او نگاه کنجکا و کودکانه‌اش را از



باقی مانده‌های قلعه برنمی‌داشت. خودش متولد روستای شمس‌آباد، روستای چسبیده به کلاته برفی است و می‌گوید: ۱۳۲۸ در شمس‌آباد به دنیا آمدم. آن زمان زمین‌های کشاورزی شمس‌آباد تا بیخ جاده کلاته برفی کشیده شده بود. بیست سالی داشتم که از پول بٹایی، در کلاته برفی زمین خریدم و شدم یکی از کشاورزان. اینجا سی‌خانوار زندگی می‌کردند. همه کشاورز بودند و به جز زمین‌های خودشان برای آقای سیدی که ارباب کلاته برفی به حساب می‌آمد، هم کار می‌کردند.

او خرابی قلعه را به یاد نمی‌آورد و می‌گوید: کلاته برفی مساحت چندانی نداشت. قلعه از خیابان خاکی که راه اصلی مردم بود، پایین تر قرار داشت و در عالم بچگی یادم نیست باقی دیوارهای خراب شد. آن زمان بیشتر روستازمین کشاورزی گندم، جو، چغندر، گوجه و خیار بود. مردم در انتهای زمین‌های کشاورزی زندگی می‌کردند. شاید باورتان نشود در کلاته برفی تا چشم کار می‌کرد فقط سرسبزی و درخت دیده می‌شد.

آن طور که حاج حسن می‌گوید این سرسبزی مدیون دو قنات پرآب آن و از طرف دیگر در کودکی قرار داشتن کلاته برفی بوده است.



این پیرمحل تعریف می‌کند: کلاته برفی در کودکی بود؛ برای همین همیشه برف باد پیچه می‌کرد و درست در ورودی قلعه که امروز تابلو شاهنامه ۱۸ دارد، خیمه می‌کرد. این برف تا یک ماه بعد عید هم آب نمی‌شد. از سر همین بزرگانمان می‌گفتند نام این محل کلاته برفی شده است.

البته حاج علی اصغر نجارزاده، از اهالی چهاربرج که در خانه اربابی کلاته برفی نجاری کرده، معتقد است نام کلاته برفی از سر ماندگاری برف در این روستا آمده است.

او که در اوایل سال‌های ۱۳۲۰ به قلعه کلاته برفی رفته است، می‌گوید: قدیم به جایی که دژ داشت، کلاته می‌گفتند. من هم بچه بودم که با مرحوم پدرم برای کار نجاری وارد این قلعه شدیم. آن زمان کل کلاته برفی ۶ خانوار داشت که داخل این دژ زندگی می‌کردند. بزرگشان برادران حسن و علی بودند و که برای اربابی به نام آقابزرگ که سید بود کد خدایی می‌گردد. او می‌گوید: سال‌ها بعد که برای نجاری به خانه اربابی کلاته برفی رفتم، روی دیوار یکی از اتاق‌ها عکس آقابزرگ که پیری‌اش را در دوران کودکی‌ام دیدم، کشیده شده بود. از خرابی این خانه دو طبقه اربابی حداقل چهل سالی می‌گذرد.

آن طور که او به یاد می‌آورد، کلاته برفی به حدی کوچک بود و در کودکی قرار داشت که وقتی از آن مسافتی دور می‌شدند، دیگر دیوارهای قلعه دیده نمی‌شد و در زمستان هم که برف زیاد بود، از دور فقط سفیدی به چشم می‌آمد.



نیروگاه طوس بی آبی آورد

حاج حسن ملاسید علی قبل از آنکه بپاشود، پیشکار قنات بود و سال هادر قنات های توس به قول خودش کار کرده است. وقت گفتن از قنات های کلاته برفی خیلی شیرین حرف می زند. تصویر سازی می کند و می گوید: دو جوی آب از کلاته برفی رد می شد که بچه را با خودش می برد. مادر چاه یکی از قنات ها در ویرانی و دیگری داخل سوران بود. وقتی پیشکار بودم، سالی حداقل یک بار داخل این قنات ها می شدیم و گل ولای خارج می کردیم. از خود کلاته برفی تا مادر چاه سوران کارمان پنج شش روز زمان می برد. اومی گوید: اوایل دهه ۱۳۶۰ که نیروگاه برق توس را ساختند، آب کم و کمتر شد و قنات ها خشکید. کشاورزی از رونق افتاد و به جای بوته، خانه هادر دل زمین هاسبز شد.

سفیدی کلاته برفی از خیار پنبه ها

خانه بی بی معصومه چهار طاقی این روزها درست در جایی قرار دارد که روزگاری پدر کشاورزش، بذر گندم، جو، چغندر، گوجه، خیار و پنبه را در آن می پاشید؛ همان روزهایی که مردم کنار زمین های کشاورزی شان زندگی می کردند. با عصایش به تنه قطور قطع شده توت حیات اشاره می کند که رویش قلمه زده اند تا این درخت صد ساله نمیرود و می گوید: این توت یادگار پدر بزرگم، در کلاته برفی است. او بچه همین کلاته بود و من همین جابه دنیا آمد و در دل این زمین ها بزرگ شدم. حاج خانم چهار طاق روزهایی را به یاد می آورد که زمین خالی در کلاته برفی نبود و می گوید: همه جازیر کشت می رفت. از بیست روز مانده به عید شروع می کردیم به مخلوط بذر خیار و پنبه با هم. اول بذر پنبه ها را به خاک می مالیدیم بعد با بذر خیار در زمین ها قاطی هم می کاشتیم. این موقع سال وقتی سبزی می شدند، همه می گفتند خیار پنبه ها رو خاک آمدند. وقتی خیارها را می چیدیم و بوته های شان زرد می شد، فصل چیدن پنبه ها از دل این بوته ها می رسید. نمی دانید چه سفیدی ای زمین های کلاته را می پوشاند. با اینکه کارخانه پنبه در کلاته برفی فعال بود، به گفته بی بی معصومه، پنبه کلاته برفی به جای دیگری می رفت، «این کارخانه پنبه اش را از شمال به خصوص مازندران می خرید و ما وقتی پنبه ها را برداشت می کردیم به علایف می دادیم.» به گفته او کاشت پنبه در مزارع کلاته برفی تا نوجوانی او ادامه داشته و بعد از آن تعطیل شده است.



بی بی معتقد است آب کلاته برفی قوتش خوب بود و در مثالش به درخت های پرمیوه زرد آلو و گوجه سبز آن در قدیم اشاره و تعریف می کند: به جز این چندین هکتار زمین کلاته مختص پرورش گل محمدی بود که به فصل بهار بویش تاروستا های بالاتر هم می رفت. اومی گوید: اگر از حجم زیاد این آب تعریف کنم، باورتان نمی شود. همین قدر بدانید که این آب خیلی ها را غرق کرد. بی بی که هم سفیدی کلاته برفی را در زمستان های پر برف قدیم دیده است و هم وقتی بوته ها به پنبه می نشستند، خودش هم مطمئن نیست نام کلاته برفی از کدام سفیدی آمده است و می گوید: از قدیم هر کسی چیزی می گفت، یکی می گفت چون کلاته گود است و در برف سفیدی می زند، نامش این شده؛ یکی هم می گفت به خاطر مزارع پنبه اش.

وقتی کلاته برفی آریا شهر شد

بی بی معصومه از آقای سیدی، خاطرات بسیاری به یاد دارد که او چه تبلیغی برای فروش زمین های کلاته برفی می کرد و می گوید: آقای سیدی نام کلاته برفی را تغییر داد. درست در ورودی جاده اصلی آن، یک تابلو بزرگ زد که رویش نوشته شده بود «آریا شهر، فروش به نقد و قسط با آب و برق». به گفته او بعد از پیروزی انقلاب دوباره تابلو کلاته برفی نصب شد. البته این روزها دیگر کلاته برفی تابلویی ندارد و محدوده اش از بولوار شاهنامه ۱ تا ۳۴ امتداد دارد. مریم ملاسید علی که قبل از پیوستن این محدوده به شهرداری منطقه ۹، ۱۲ سال دیهیار آن بود می گوید: در سال ۱۳۸۹ با مشورت شوراهای محله نام خیابان های کلاته برفی به آریا و ویلا تغییر پیدا کرد و این روزها محله کلاته برفی در تقسیمات شهری شامل اکبر آباد و حاجی آباد، مهدی آباد و شمس آباد هم می شود.



جهان شیر، اولین بلوچ کلاته برفی

امروز حدود ۶ هزار نفر در کلاته برفی زندگی می کنند که ترکیبی از شیعه و سنی هستند و تا به امروز زندگی با مسالمت بلوچ و فارس در آن، ادامه دارد. آن طور که حسن آقاوی بی معصومه می گویند همسایگی با وحدت شیعه و سنی در جریان است. بی بی معصومه خوب به یاد دارد که نخستین بلوچ کلاته برفی چه کسی بود و چه سالی آمد: «پسرم، جعفر آقا که الان شصت سالش شده است، به بغل داشتم که جهان شیر برای کار به کلاته برفی آمد. بلوچ بود و خوب از بئایی و باغبانی سردرمی آورد. اولین بار او همه باغ های اینجا

قبرستانی روی بلندی کال چهار برج

اهالی کلاته برفی مرده های شان را بیشتر در محدوده حاجی آباد دفن می کنند و قبرستانی که یادگار قدیم باشد، ندارند. اما قبرستانی در انتهای این محدوده است که به نام بلوچ ها شناخته می شود. این قبرستان حدود چهل سال عمر دارد و حاج ملاسید علی می گوید: قدیم در انتهای خیابان اصلی کلاته برفی، تپه ای بود که ما به نام بلندی کال چهار برج می شناختیم. از این محل آب چشمه گیلان رد می شد و محل خواباندن گوسفندانمان بود. بعد از خشک سالی بدون استفاده بود و در دهه ۱۳۶۰ برای دفن اموات به بلوچ ها واگذار شد.

مسجدی از دهه ۶۰

مسجدی در یکی از فرعی های خیابان آریای ۲۵ کلاته برفی قرار دارد که به نام محمد رسول (... (ص) تابلو خورده است. این مسجد مختص اهل تسنن است و مولوی دارد. زمین آن را از زارعان شمس آباد خریداری کرده اند و خود بلوچ ها در دهه ۱۳۶۰ ساختش را برعهده گرفته اند.

را دیوار کرد. دیوارها گلی بود و برای کشاورزان درخت هم می کاشت. او برای کار اینجا ماندگار شد و بعد از او منصور، پسرش هم در همین محل ماند. کم کم در دهه ۱۳۶۰ تعداد بلوچ ها که بیشتر برای کارگری می آمدند، زیاد شد.»

بی خانمانی و کار، ما را به کلاته برفی کشاند

حاج قادر از شناخته شده ترین بلوچ های کلاته برفی است. او از قدیمی ها هم به حساب می آید. حاج قادر خودش را بچه مرز معرفی می کند و می گوید: سال ۱۳۳۴ در روستای دوله بلول به دنیا آمد و وقتی اوایل دهه ۱۳۶۰ روستا های ماطبق طرح دولت به خرابی خورد، برای کار راهی خراسان شدیم. سال ۱۳۶۲ آمدیم کلاته برفی. با فروش گوسفند هایمان اینجا زمین خریدیم. کارمان هم کارگری سر زمین های کشاورزی شد. طبق گفته های حمیدی فرد، قبل از آمدن گروهی آن ها اکبر و رمضان بلوچ برای کارگری به کلاته برفی آمده بودند و در این محل زندگی می کردند. او بلوچ های کلاته برفی را متعلق به جاهای مختلف ایران همچون صالح آباد، تربت جام، سرخس، زابل، مازندران و... می داند و می گوید: همه ما برای کار آمدیم. خدا را شکر آدم های محله هم خوب بودند و ما را کنار زمین های خودشان جادادند. الان بیشتر از چهل سال هست که کنار هم خوب زندگی می کنیم و شیعه و سنی هم نداریم.



سابقه دیرینه کلاته برفی

برای اینکه از تاریخ کلاته برفی به اطلاعات دقیق تری برسیم، سراغ جواد نوابیان رودسری، کارشناس و پژوهشگر تاریخ، می رویم. او با استناد به چند سند تاریخی می گوید: قدیمی ترین سندی که نام کلاته برفی در آن آمده، مربوط به سال ۱۳۱۴ با موضوع اجاره املاک استان قدس رضوی است. او با تاکید بر نام کلاته، قدمت این محله را خیلی بیشتر می خواند و در توضیحش می گوید: چون اسم کلاته اضافه شده است باید این محدوده محل قلعه بوده باشد. قلعه ها هم مربوط به دوره قاجار است؛ زیرا شمال خراسان نام ن بود. از طرف دیگر کلاته برفی در یک محیط تمدنی قرار گرفته که در گذشته اراضی آن ها تأمین کننده مایحتاج تابران بوده است. از این رو سابقه کلاته برفی باید خیلی بیشتر از این تاریخ ها باشد.



مسجد تازه تأسیس علی ابن ابی طالب^(ع)

سومین مسجد کلاته برفی که تازه تأسیس هم هست، به نام حضرت علی ابن ابی طالب^(ع) شناخته می شود. طبق توضیحات مریم ملاسید علی این مسجد در سال ۱۳۹۲ ابتدا سوله کوچکی بود. با کمک بی بی صدی حسینی و آیت... و حید سال ۱۳۹۵ توسعه پیدا کرد و به هزار متر رسید. هزار متر زمین دیگر هم کنار مسجد به زودی به آن اضافه و ساختش کامل می شود.



مختار توکلی پور از اولین ساکنان محله شهید رضوی، رشد محله را به چشم دیده است

دوره‌می همسایه‌ها زیر درخت توت



محله‌گردی

ایستگاه
اول

فاطمه سیرجانی اکاسپ قدیمی محله شهید رضوی معلم بازنشسته‌ای است که اواخر دهه ۶۰ بعد از موافقت با انتقالی اش به مشهد آمد. مختار توکلی پور، انتهای شهرودریابانی دور افتاده، زمینی آستانه‌ای به متراژ ۲۳ متر را به حدود ۴۰ هزار تومان خرید و شروع به ساخت آن برای سکونت کرد. درست جایی که الان جلال آل احمد ۷ است و در گذشته به شهرک هاشمی نژاد معروف بوده است. او از ساکنان اولیه این شهرک می‌گوید که در آغاز انقلاب در آپارتمان‌های مرتفع بولوار خیام زندگی می‌کردند. اما بعد ها آستان قدس رضوی با دادن زمین‌هایی در این قسمت شهر از آن‌ها خواست به این شهرک کوچ کنند و اسم شهرک هم بعد از شهادت عبدالکریم هاشمی نژاد به نام این شهید مزین شد. حاج مختار از زمانی که این محله بیابانی بیش نبود، خاطرش هست تا وقتی خیابان دو طرفه ایرج میرزا و مسیر ماشین رودرست شد و بعد ها با عقب نشینی خانه‌ها و باز شدن راه، بولوار جلال آل احمد احداث شد.

ایستگاه
دوم

همه درخت‌های این راسته را خودم کاشتم. خاطرم هست یک روز از میدان شهدا می‌آمدم. دیدم کنار خیابان، یک نفر چند نهال چنار در سطل‌های کوچک برای فروش گذاشته است. آن‌ها را خریدم و در اینجا کاشتم. حالا بیش از سی سال عمر دارند و صفای محله‌اند.

ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

وقتی ما به اینجا آمدیم، حاشیه بزرگراه امام علی (ع) سیل‌گاه این سمت شهر بود. بهار وقت بارش‌های رگباری، قد دوسه متر آب جمع می‌شد. خاطرم هست اوایل دهه ۸۰ یک نفر موقع عبور از این مسیر در آب گیر افتاده و متأسفانه غرق شده بود. آن روز اینجا غلغله آدم بود.

ایستگاه
پنجم

در این باغ حاشیه بزرگراه که ملک آستان قدس است، اواخر دهه ۶۰ یک مخزن آب چند هزار لیتری بود که آب شرب ساکنان شهرک را تأمین می‌کرد. آستان قدس آن را برای رفاه مردم گذاشته بود.

معصومه خانم از قدیمی‌های محله است و قبل از ما به اینجا آمده‌اند. این درخت توت را اینجا کاشته است. از قدیم تا همین الان فصل توت، غروب‌ها توی این کوچه زیرانداز پهن می‌شود و بساط چای و توت خوردن به راه است.

وقتی ما به این محله آمدیم، دبستان پسرانه بدر درست رویه روی زمینی بود که ما برای ساخت خریده بودیم. از یک طرف خوشحال بودم که دیگر برای رفت و آمد بچه‌ها به مدرسه مشکل نداریم. از طرفی چون خودم از صبح مدرسه بودم، تنه‌ها دغدغه ام سروصدایی بود که می‌دانستم آزار دهنده است؛ در هر صورت با آن کنار آمدیم.

عکس: فاطمه سیرجانی/شهرآرا

بولوار جلال آل احمد تا دو دهه قبل، یک خیابان بیست متری بود و دو طرفه. با توسعه شهر به این سمت، شهرداری حکم به عقب نشینی خانه‌ها داد. خانه ما اولین جایی بود که عقب نشینی کرد و بعد هم خودم می‌رفتم و از همسایه‌ها می‌خواستم که برای آبادی محله این کار را بکنند.



بازارچه جلوخان آرامگاه، این بار فقط به صنایع دستی توس اختصاص داشت

سوغاتی دیار فردوسی

کشاورزی ام برای من حس خوبی دارد و برای همین سه گلیم کوچک خریدم.

مشاهده ما از برگزاری چندین دوره بازارچه در آرامگاه فردوسی حکایت از این دارد که امسال فروش تولیدکنندگان سطح مطلوبی دارد. این را از بسته خریدهای پرشمار سعید صفارزاده هم که از اهالی زنده است، می توان فهمید. او تعریف می کند: در طول مسیر سفرمان چند بازارچه دیدیم ولی این بازارچه واقعا محصولات باکیفیتی دارد و دلیلش هم این است که همه فروشندگان خودشان تولیدکننده و با هم آشنا هستند و کسی محصول بی کیفیت به اینجا نیاورده است.

این بازارچه در پایان هفته جاری به پایان می رسد تا غرفه داران دوباره بر تولید متمرکز شوند.

دستی برپا می شود. خوشبختانه وسواس برگزارکنندگان این بازارچه که خودشان از تولیدکنندگان هستند، کمک کرده است که تولیدات دست اهالی توس فرصت نمایش پیدا کند. حلیمه جوانرودی که محصولات چرمی تولید می کند، وضعیت بازارچه و حضور مسافران را خوب ارزیابی می کند و امیدوار است فروشش از سال های گذشته بیشتر شود. او می گوید: به خاطر محصولات خوبی که ارائه شده است، مردم جلو غرفه ها توقف می کنند و کارها را می بینند و خرید می کنند. اگر بازارچه بهتر فضاسازی می شد استقبال بیشتر هم بود. اما در مجموع به نظرم مسافران تا حالا حضور خوبی داشته اند و خرید هم کرده اند.

● محصول بی کیفیت ندیدم

خیلی از بازدیدکنندگان وقتی متوجه می شوند که قسمت عمده محصولات ارائه شده در خانه ها و کارگاه های توس تولید می شود، تعجب می کنند و البته تمایل بیشتری هم به خرید پیدا می کنند. اردلان سالاری که از برازجان راه مشهد را در پیش گرفته است، چند گلیم خریده است. او می گوید: من این ها را از آقایی خریدم که گفت آن ها در فاصله چندده متری از این بازار تولید می کند. داشتن سوغاتی از دیار فردوسی در خانه و باغ

سیدمصطفی بهشتی تابش نورروی رگه های رنگی دست باف ها، برق زیورآلاتی که ترکیب چوب و فلز هستند و لعاب لاجوردی خوش رنگی که روی ظرف های سفالی کشیده شده اند، همه محصولات چشم نوازی هستند که در هوای بهاری بوستان جلوخان آرامگاه فردوسی در بازارچه صنایع دستی غرفه به غرفه و پشت سرهم به نمایش درآمده اند تا دل رهگذران را ببرند و عایدی ای نصیب تولیدکنندگان توس کنند. این بازارچه از ابتدای سال ۱۴۰۴ راه اندازی شده است و اکثر فروشندگانی که تولیدات خود را در این فضا عرضه کرده اند، از اهالی توس هستند.

● حضور خوب و فروش خوب

گلیم، صنایع سفالی، فرش، قالیچه، تولیدات چرمی، زیورآلات، ظروف سنگی، تولیدات چوبی و گل و گیاه بخش مهم محصولات هستند که از سوی غرفه داران ارائه شده اند. برگزارکنندگان بازارچه که گروه های مردمی هستند، با تأکید بر اینکه محصولات ارائه شده، تولیدی خطه توس باشد، کار را شروع کرده اند و تلاش بسیار به کار بسته اند تا محصولات باکیفیتی عرضه شود و صنایع دستی توس به درستی به مسافران نوروزی ارائه شود. این رویکرد سبب شده است فروش صنایع دستی توس با معرفی هویت این محدوده همراه شود.

محمد حسین نجاری که از تولیدکنندگان ظروف سنگی است، می گوید: من همیشه وقتی در بازارچه ها حاضر می شدم ناراحت بودم که چرا خوراکی و چیپس و پفک را در کنار صنایع دستی می فروشدند، در حالی که بازارچه، با هدف ارائه صنایع



نوجوان موفق محله امامت
چند مقام قهرمانی در کارنامه ورزشی اش را دارد

تلخ و شیرینی یک رقابت

امید محله



ریخته است و تجربه خوبی کسب کرده ام.

● تابه حال در مسابقات آسیب دیده ای؟

در یکی از رقابت های مشهد که در سالن شهید بهشتی برگزار می شد، با ضربه حریف، دندانم شکست و درد زیادی را تحمل کردم. این تلخ ترین خاطره ورزشی من شد. البته در همان مسابقه با وجود این مصدومیت، حریفم را شکست دادم که خاطره شیرینی شد.

● این رشته ورزشی را تا کجایم خواهی ادامه دهی؟

دوست دارم روزی باشگاه راه اندازی کنم و همه چیزهایی را که آموخته ام، در اختیار بچه هایی بگذارم که هم سن خودم هستند. می خواهم آن ها را تشویق کنم تا مثل من از ورزش و رشته کاراته لذت ببرند و بزرگ شوند.

● آیا شده از فنون رزمی که آموزش دیده ای بیرون از باشگاه استفاده کنی؟

اصلا. دلم نمی خواهد کسی بی دلیل از سمت من آسیب ببیند، اما دوست دارم در جامعه هیچ بچه ای آسیب پذیر نباشد و همه دفاع شخصی را بلد باشند تا در موارد اضطراری بتوانند از خودشان دفاع کنند.

● بزرگ ترین آرزوی محمد جواد چیست؟

سلامتی پدرم، چون همیشه مثل کوه پشتم بوده است. او با شروع کرونا من را به باشگاه برد تا به جای ترس از این بیماری با ورزش سرگرم شوم و برای ادامه راه و موفقیت در این ورزش تشویقم کرد. من همیشه مدیون حمایت های پدر و مادر و مربیان ورزشی ام هستم.

فاطمه سیرجانی پدرش در جوانی از بوکسورهای حرفه ای بوده است و خانواده پدری، در ورزش های رزمی چون کاراته و کونگ فو، استاد و شیپان هستند. پس غریب نیست که پسر ارشد خانواده ناظمی به ورزش رزمی علاقه مند شود و چندمدال استانی و کشوری در این رشته را از آن خود کند. محمد جواد ناظمی، که دانش آموز سال ششم مدرسه بدر و ساکن محله آزادشهر است، تاکنون افتخارات ورزشی شایان توجهی کسب کرده است.

● چه شد که به سراغ ورزش های رزمی رفتی و از چه سنی ورزش را شروع کردی؟

چون خانواده ای رزمی کار دارم و پدرم زمانی بوکسور بوده است، من هم به این ورزش علاقه مند شدم. سال ۹۸ هم زمان با شیوع کرونا در رشته کاراته سبک کیوکوشین ثبت نام کردم و شروع ورزش من همان جا بود.

● در این سال ها چه مقام هایی کسب کرده ای و چندمدال داری؟

در مسابقات بین باشگاهی بسیاری شرکت کرده ام، اما در یازدهمین دوره مسابقات استانی که اسفند ۱۴۰۱ در روز جوان برگزار شد، موفق به کسب طلای آن رقابت ها شدم. بعد از آن چند مقام دوم و سوم و مدال نقره و برنز استانی به دست آوردم.



برای پیوستن به کانال شهرآرام‌محله
منطقه ۱۱ و ۱۲ کد بالا را اسکن کنید



درمانگاه شبانه‌روزی سلامت‌آوران تنهامرکز درمانی
محله جاهدشهر است و علاوه بر خدمات عمومی پزشکی
و پرستاری، دارای بخش‌های آزمایشگاهی، فیزیوتراپی
و دندان پزشکی است و در شیفت‌های مختلف، خدمات
تخصصی دیگری هم در حوزه سلامت ارائه می‌کند.



سنگ بنای مجتمع مسکونی ابتدای این
کوچه حدود نوزده سال پیش و به کوشش
جهاد سازندگی خراسان بزرگ گذاشته شد. حالا
بسیاری از کارمندان جهاد از این مجتمع
۱۲۵ واحدی رفته‌اند، اما هنوز این مجموعه به
اسم جهاد شناخته می‌شود.



بوستان همیشه ویلایی

سید مصطفی بهشتی اکوچه بوستان ۱۹/۵، معبری فرعی در محله جاهدشهر است که اولین سکونت‌ها
در آن از حدود بیست سال پیش آغاز شد. این کوچه و چند معبر اطرافش به واسطه بناهایی که
دارند، جزو کوچه‌های متفاوت ناحیه متصل شهری منطقه ۱۲ هستند. این مسیر پر شده است از
خانه‌های ویلایی که با همان چهره بیست سال پیش خود باقی مانده‌اند و فضای این کوچه را
دل‌نشین و زیبا کرده‌اند.

۱۲

کوچه بوستان ۱۹/۵
محله جاهدشهر



بوستان ۲۴۰۰ مترمربعی همیشه بهار حدود
سیزده سال پیش در انتهای کوچه بوستان ۱۹/۵
احداث شد؛ فضای سبزی که درختانش سربه
آسمان بلند کرده‌اند و از حاشیه بولوار مجیدیه و
خیابان بوستان هم دسترسی به آن امکان‌پذیر
است.

مجموعه خیریه مردمی فتاح در این کوچه
فعالیت می‌کند. اعضای این مجموعه با شروع
کرونا مؤسسه را تشکیل دادند و در مناسبت‌های
مختلف بسته‌های کمک معیشتی تهیه و توزیع
می‌کنند.



باتوجه به کمبود سرانه آموزشی مدارس دولتی در
جاهدشهر، مدارس غیردولتی در معابر مختلف دایر
شده است. یکی از این معابر همین بوستان ۱۹/۵ است
که سه مدرسه غیردولتی در خود جای داده است.